

رو به گفت و گو

یکم

مناسبات اسلام و مسیحیت به عنوان دو دین متکی به وحی، معتقد به توحید و متناسب به حضرت ابراهیم همیشه آنگونه که انتظار می‌رفته توأم با رواداری و خویشنداری نبوده است. ناشکیبایی‌هایی که پیروان این دو دین در برخی از مقاطع تاریخ از خود بروز داده‌اند بیش از آن‌که در تعالیم این ادیان ریشه داشته باشد ناشی از انحصارگرایی برخی از نهادهای دینی و دخالت قدرت‌های سیاسی بوده است. نگاه تاریخی نیز نشان می‌دهد که در آغاز مواجهه این دو دین، تعامل و تفاهم بر برخورد و ستیزه‌پیشی داشته است. آغازکننده باب گفت‌وگو با مسیحیان قرآن کریم بوده است که به رغم شمار اندکی مسیحیان و تأثیر نه چندان زیاد آنان در معادلات قدرت و مناسبات اجتماعی در قلمرو پیدایی اسلام، آنان را به جد گرفت و با ایشان در کنار دیگر اهل کتاب به گفت‌وگو نشست. از نگاه اسلام، در میان اهل کتاب و شریعت، مسیحیان جایگاه ویژه‌ای دارند. به ظاهر، اختلاف اسلام با مسیحیت رایج و غالب بر سر اصلی‌ترین آموزه اسلام، یعنی مفهوم و مضمون توحید است، موضوعی که اسلام و یهودیت بر سر آن توافق تام و تمامی دارند، با این همه، لحن قرآن نسبت به مسیحیان بسیار صمیمانه‌تر و آشتی‌جویانه‌تر بوده است تا لحن آن در خطاب با یهودیان. رمز و راز این چندگونگی لحن و تعبیر را شاید بتوان در اهتمام ویژه اسلام به حسن سلوک و صدق نیت، و ترجیح گفتار زبانی بر باورهای ذهنی جست. ایمان اساساً ترکیبی است از بینش و گرایش که مادون‌ترین بروز آن، بر زبان، و گویاترین نشانه آن در رفتار مؤمنانه و اخلاقی، نمایان است. در نگاه قرآنی، مسیحیان از حسن اقبال و قبول نسبت به حق و حقیقت

برخوردارند. وجود عالمانی که به باورهای دینی خود به‌جَد معتقدند و در نشر معارف دینی کوشا هستند، در کنار زاهدان و راهبانی که تبلور عینی آموزه‌های دینی هستند و با سلوک خود، صدق این تعلیمات و صداقت آن معلمان را می‌نمایند و نبودِ نخوت و غرور در عموم مسیحیان سه عاملی هستند که به نظر قرآن میزان حق‌پذیری مسیحیان را نسبت به یهودیان افزایش داده، و اینان را در دوستی و همدلی، به مسلمانان نزدیک‌تر ساخته است (رک: حدید: ۲۷؛ مائده: ۸۳-۸۲ و المیزان، ج ۲، ص ۸۱-۷۹). از این رو قرآن کریم به مسلمانان فرموده است که با اهل کتاب به ویژه با مسیحیان به نیکویی مجادله کنند و دعوت و تبلیغ را در خصوص اهل کتاب از راه گفت‌وگو به شیوه برتر عملی سازند: «و با اهل کتاب جز با [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله مکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند» (عنکبوت: ۴۶). تردیدی نیست که بارزترین ستم، آن هم در سیاق مباحثات دینی، کبر و عناد است و آیه پیش‌گفته (مائده: ۸۲) نشان می‌دهد که مسیحیان از لجاجت و استکبار به دورند، پس به گفت‌وگو و جدال احسن از دیگر پیروان اهل کتاب سزاوارترند.

دوم

همانطور که پیش‌تر گفتیم قرآن به مسیحیان نگاهی مثبت و احترام‌آمیز داشته، هر چند برخی از باورهای لاهوتی ایشان را به تندی مورد نقد و نفی و انکار قرار داده است و باز تأکید کردیم که آغاز تاریخ مناسبات مسلمانان با مسیحیان به خوبی رقم خورده، و جز این نیز انتظار نمی‌رفته است. با این همه، گاه بر خلاف انتظار روابط این دو دین رو به تیرگی گذاشته است؛ در مقاطعی از تاریخ، تفاهم و گفت‌وگو جای خود را به بدفهمی و ردیه‌نویسی داده، و ستیز و درگیری بر جای تعامل و همکاری نشست است. این چرخش همواره - به حق یا به ناحق - به پای دین نوشته شده است؛ اگر فتوحات اسلامی در مناطق مسیحی‌نشین، جهانگشایی‌های عثمانی‌ها در اروپای مرکزی و قتل عام ارامنه توسط ترک‌ها به پای اسلام ثبت شده، جنگ‌های صلیبی و استعمار کهنه و نوی غرب مسیحی نیز در کارنامه مسیحیت درج شده است. در همه یا اغلب این منازعات، به خوبی می‌توان ردپای قدرت‌های سیاسی، انگیزه‌های شخصی و قومی افراد ماجراجو و فرصت‌طلب را یافت و نشان داد، با این همه، در همه این تقابل‌های خونین، حمایت‌های رسمی مقامات بالای دینی را نمی‌توان نادیده گرفت. در روزگار نزدیک به زمان ما اشتباه تاریخی

مسیونرهای مسیحی که به رغم تفکیک دین از دولت در جوامع غربی، با استعمارگران همراه شدند و چشم خود را بر ستم‌کاری‌ها و چپاولگری‌های قدرت‌های بزرگ اروپایی بستند و تبلیغ مسیحیت را با تحمیل سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانگان توأم ساختند ذهن و دل مسلمانان را آنچنان بدبین و آشفته کرد که هنوز خیرخواهان مسیحی و مسلمان، به رغم کوشش‌های بسیارشان نتوانسته‌اند به طور کامل بر این ذهنیت منفی فائق آیند.

اما ردیه‌نگاری و جدل‌نویسی عمدتاً در قرن سوم هجری (نهم میلادی) باب شد. رساله فردی به نام عبدالله بن اسماعیل هاشمی که دوستش عبدالمسیح بن اسحاق کندی را به اسلام دعوت می‌کند و پاسخ عبدالمسیح به آن را کهن‌ترین نوشته‌های جدلی‌ای دانسته‌اند که در آغاز قرن سوم هجری نگاشته شده است. امروزه هم تاریخ‌نگارش این اثر را به قرن چهارم هجری برمی‌گردانند و هم نویسنده هر دو متن را یک نفر مسیحی نسطوری می‌دانند. بارزترین جدل‌نامه‌های قرن سوم از آن علی بن ربیع طبری (الرد علی النصارى) و ابو عیسی وراق (الرد علی الفرق المسیحیة الثلاث) می‌باشد. طبری مسیحی نسطوری تازه به اسلام گرویده، و وراق متکلمی بود مسلمان که در تمام ادیان تشکیک روا می‌داشت. جاحظ، قاسم بن رسی و کندی فیلسوف نیز رساله‌هایی در رد مسیحیت نگاشتند.

از قرن چهارم هجری به بعد در اغلب آثار متکلمان، فصل یا فصولی به رد مسیحیت اختصاص دارد. با جنگ‌های صلیبی و مغول مجدداً تألیف آثار جدلی مستقل از سرگرفته شد. نامه پولس انطاکی اسقف شهر صیدا (در گذشته در حدود ۱۱۴۰ میلادی) خطاب به دوستان مسلمانش، آغازگر این حرکت جدید جدلی بود. اوج این حرکت در سه رساله ردیه دیده می‌شود: الدرّة الفاخرة فی الرد علی الاسئلة الفاجرة، اثر ابن ادریس قرافی؛ الجواب الصحیح لمن بدّل دین المسیح، اثر ابن تیمیه؛ هداية الحیاری من اليهود والنصارى، اثر ابن قیم جوزی. دوره جدید مجادلات مسیحی - اسلامی را کارل فاندور و رحمت‌الله عثمانی هندی آغاز کردند. کتاب معروف اظهار الحق را شیخ رحمت‌الله در سال ۱۸۶۲ در پاسخ به کتاب میزان الحق، اثر فاندور نگاشت. در پیرامون این دو کتاب - در تأیید یا رد آنها - نزدیک به پنجاه کتاب و رساله تألیف شد (برای آگاهی‌های بیشتر رک: از برخورد تا گفت و گو؛ مقالاتی درباره مناسبات اسلام و مسیحیت، ترجمه حمیدرضا شریعتمداری).

از این ردیه نویسی‌ها - که چه بسا گاهی اجتناب‌ناپذیر بوده - بیشترین چیزی که عاید

مسیحیان و مسلمانان شده شکل گرفتن ذهنیت‌های بسته غیرقابل تغییر، حساس شدن هر کدام از دو طرف نسبت به نقاط ضعف و چالش برانگیز طرف مقابل و در نهایت گم شدن راه‌های تفاهم، وجوه مشترک و زمینه‌های تعامل بوده است. در این میان در خصوص مسلمانان، مغفول اصلی توصیه جاودانه قرآن کریم به گفت‌وگو با اهل کتاب به شیوه برتر است. شگفتی در اینجا است که هنوز هستند کسانی که مایلند این راه‌های طی شده بی نتیجه یا کم نتیجه را بیمایند و آزموده را باز بیازمایند.

سوم

بهترین دفاعی که می‌توان از نوشتن ردیه و جدلنامه صورت داد تلقی آن به عنوان صیانت از خویشتن در برابر نقدهای گزنده مخالفان است. اما واقعیت این است که این سنخ نوشتار و این سبک نگارش نه راهی است عالمانه برای نیل به حقیقت، نه شیوه‌ای است مشفقانه برای تغییر کیش دیگران و نه کوششی است عاقبت‌اندیشانه برای تثبیت باورهای مؤمنان. بی‌تردید برای نیل به هر کدام از این سه هدف، روش‌های آزموده بهتری وجود دارد که هیچ کدام از آفات روش منسوخ رد و نقض را ندارد. به نظر می‌رسد که امروزه ردیه نویسی با هدف‌گذاری نخست، یعنی دفاع از خویشتن نیز کاری بی‌موضوع و شیوه‌ای مرجوح و مهجور شده است.

آنچه در وضعیت جدید پیش آمده عبارت است از:

۱. پیدایی اقلیت‌هایی نیرومند در میان پیروان همه ادیان که به تجربه‌های تاریخی عصر جدید مستظهرند و با استفاده از جدیدترین روش‌های نقادی متن و بازخوانی تاریخ با موجودیت همه ادیان به ویژه ادیان کتاب‌محور و تعالی‌گرا به ستیزه برخاسته‌اند. نفی همه برداشت‌های ماوراء الطبیعی، طرد همه حقائق متعالی و مقدس، و تأکید انحصاری بر جهان مادی در برابر جهان معنوی، انسان در برابر خدا، علم تجربی در برابر دانش عقلی، و عقل استدلالی در برابر وحی و عقل شهودی از برداشت‌ها و خواست‌های اینان است. اینان جبهه‌ای الحادی و مادی را در برابر همه مؤمنان به ادیان گوناگون گشوده‌اند.

۲. پیدایی ادیان جدید و معنویت‌های نوین که کیان ادیان سنتی را مورد تهدید

قرار داده‌اند.

۳. تغییر رویکرد مسیحیت به ویژه مسیحیت کاتولیک نسبت به اسلام.

کلیسای مسیحی که از آغاز ظهور اسلام تاکنون از به رسمیت شناختن مسلمانان سرباز می‌زد، سرانجام در نوامبر ۱۹۶۴ در دومین شورای جهانی واتیکان در بیانیه معروف به «رابطه کلیسا با ادیان غیرمسیحی» مسلمانان را قابل احترام دانست و با اشاره به برخی باورهای دینی آنان که با مسیحیان مشترک است از مسلمانان و مسیحیان خواست که اختلافات و دشمنی‌های گذشته را فراموش کنند و همگی با اخلاص برای حفظ و تقویت عدالت اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی، صلح و آزادی بکوشند (رک: پیشین، ص ۲۰۱ و نیز دومین شورای جهانی واتیکان، مندرج در هفت آسمان، ش ۲۰، ص ۲۲۱).
 پاپ ژان پل ششم نیز در پیام معروفش موسوم به «کلیسای مسیح» در آگوست ۱۹۶۴ باب گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان را گشود و در این خصوص رهنمودهایی را به مسیحیان ارائه، و دبیرخانه‌ای را برای گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان تأسیس کرد. این دبیرخانه در سال ۱۹۶۹ توصیه‌هایی را در خصوص گفت‌وگو میان مسیحیان و مسلمانان مطرح کرد. مرکز پاپی تحقیقات عربی در رم نیز در سال ۱۹۷۵ مجله مطالعات اسلامی مسیحی را منتشر ساخت (رک: پیشین، ص ۶۶) از این تاریخ به بعد گفت‌وگو با مسلمانان به طور جدی در دستور کار واتیکان قرار گرفت. ارتدکس‌ها و برخی از فرقه‌های پروتستانی نیز از گفت‌وگو با مسلمانان استقبال کردند. تاکنون نشست‌های مختلفی میان مسلمانان و مسیحیان برگزار شده است.

برخی برآنند که هنوز گفت‌وگو در میان همه مقامات کلیسایی به جد گرفته نشده است، برخی بدبینانه گفت‌وگو را شیوه‌ای نوین برای همان تبشیر سنتی می‌دانند و برخی دیگر نشست‌های گفت‌وگو را صوری، تشریفاتی و کم محتوا قلمداد می‌کنند. چه این تلقی‌ها درست باشد و چه نباشد، مسلمانان ناگزیر باید در این قلمرو وارد شوند و ضمن استقبال از گفت‌وگو، افرادی مسلط به مبانی اسلام، آشنا با مبانی مسیحیت و دارای مهارت در فنون و آداب گفت‌وگو را تربیت کنند تا بتوانند هم‌آوردهای توانمندی در برابر نیروهای ورزیده و آموزش‌دیده مسیحی باشند.

استقبال مسلمانان می‌تواند در پاسخ به اظهار تمایل مسیحیان تبیین و توجیه شود، ولی موجه‌تر آن است که به فرمان و رویه قرآن کریم مستند باشد که ۱۴ قرن پیش از مسیحیت باب گفت‌وگو را گشود و آداب گفت‌وگو را تعلیم داد. گفت‌وگو حتی می‌تواند

روشی نوین و کارآمد برای تبلیغ و دعوت یا تبشیر و میسیونری باشد، ولی بهتر آن است که در ساحتی والاتر به عنوان راهی برای شناخت درست و واقعی دیگران تلقی شود و بالاتر این که در ساحتی متعالی راهی برای شناخت حقیقت، نقبی به عالم معنا و نردبانی به سوی ملکوت باشد. آنچه هرگز نمی تواند باشد جدلی بودن آن است. در گفت و گوی مطلوب نمی کوشیم دیگران را مغلوب و منکوب سازیم و نیز نمی خواهیم حتماً دیدگاه های آنها را نقض و رد کنیم، بلکه می خواهیم آنچه را باور داریم به گوش دیگران برسانیم و برای آنها تبیین کنیم و در صورت امکان با دلائلی فرادینی و عقلی باورهای خود را مدلل سازیم و هم زمان شنوای جدی سخنان دیگران و مستندات آنها باشیم. ما در گفت و گو فقط دیگران و دیگر باورها را مورد ارزیابی قرار نمی دهیم، بلکه خود و باورهای خود را نیز در نگاه دیگری و از نگاهی دیگر مورد ارزیابی قرار می دهیم.

گفت و گو میان اسلام و مسیحیت می تواند در پیرامون موضوعات عام و انسانی ای چون عدالت، صلح، خانواده، اخلاق زیستی و از این قبیل باشد و می تواند در پیرامون مباحث کلامی و لاهوتی باشد. در آبان ماه سال جاری به همت دبیرخانه گفت و گوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نشست با برخی مقامات رسمی کلیسای واتیکان در مورد کرامت انسانی و اخلاق زیستی برگزار شد که برخی از اعضای هیئت علمی مرکز ادیان نیز در جلسات آن فعالانه شرکت کردند. هیئت بلندپایه مسیحی دیداری نیز از قم و مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب داشت. فرصت را مغتنم شمردیم و با فیتز جرالده اسقف اعظم واتیکان و رئیس مرکز پاپی گفت و گو با اسلام، در باب گفت و گوی اسلام و مسیحیت و اهداف و دستاوردهای آن مصاحبه کردیم. در این شماره حاصل این مصاحبه و نیز به مناسبت، مقاله ای را در خصوص یکی از محورهای مهم اخلاق زیستی، یعنی شبیه سازی (از منظر کاتولیک ها) منتشر ساخته ایم؛ با این امید و انتظار که به زودی شاهد به بار نشستن کوشش های دلسوزان مسیحی و مسلمان در تفاهم هر چه بیشتر این دو دین ابراهیمی باشیم.